

بسمه تعالی

کار آفرینی

کارآفرینی ، فرآیند توسعه ی کسب و کاری است که بایک ایده نوپا واز صفر آغاز می شود. این روند همواره توام باریسک پذیری است .

کارآفرینی می تواند در زمینه های مختلف عمل نماید.

کار آفرین

کسی است که برای هر ایده ای ، چه به یک محصول منجر شود ، یانوعی خدمات را دربرگیرد واشتغال رابه وجود آورد. و بداشتن مجموعه ای ازمهارت ها تمام سعی خودرابرای به نتیجه رساندن ایده خود انجام می دهند، بنابراین برای پذیرش هرگونه ریسکی آماده هستند.

کارآفرین فقط بدنبال تولید محصول وعرضه آن به بازار نیست بلکه باید یابه محصول ویابه خدماتی تبدیل شود که مردم خواستار آن ویابه آن نیازمند هستند.

ازجمله مهارت هایی که یک کار آفرین به آن نیازمند است می توان به مواردی چون :

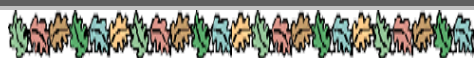
(۱) مهارت قابلیت برنامه ریزی

(۲) مهارت ارتباطی

(۳) مهارت بازاریابی

(۴) مهارت های مدیریت عمومی

(۵) مهارت رهبری کردن



اشتغال زایی

درواقع ایجاد یک شغل برای پاسخ به نیازهای بازار ایجاد می شود.

واژه اشتغال زایی کاربرد زیادی در گفتمان های سیاسی دارد . برای مثال :

- ❖ برای تبلیغاتی که یک کاندید انتخاباتی از برنامه های آینده خود صحبت می کند.
- ❖ یادرمورد شرایط خاص مالیاتی ، برنامه های یارانه ای ویاچارجوب های قانونی جدید برای اشتغال سخن می گوید.

واژه اشتغال زایی در مفهوم عملی

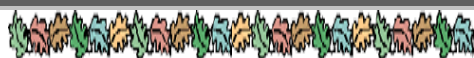
زمانی به کارمی رود که یک صنعت خاص درصورت لزوم به استخدام کارگران وکارمندان بیشتری روی می آورد. تابتواند تقاضای بازار را برای تولید محصولات یاخدماتی ویژه رابرآورده نماید.

تفاوت شاخص میان دومفهوم کار آفرینی و اشتغال زایی

اول))

کار آفرینی = یک شغل جدید ایجاد می کند و درواقع یک ارزش ناب رابه جامعه اضافه می کند. ولی

اشتغال زایی = برای پاسخ به تقاضاهای بازار به جذب نیرو و تکمیل ظرفیت برای شغل های ایجاد شده می پردازد.



دوم))

کارآفرینی = عمدتاً مربوط به بخش خصوصی است . درحالیکه

اشتغال زایی = وظیفه ای دولتی است . یعنی دولت ها موظفند که فرآیندها و فعالیت های راکه منجر به اشتغال زایی بیشتر می شوند را سهل و آسان کرده و از آنها حمایت می کند.

سوم))

کارآفرینی = نتیجه کارآفرینی در هر عرصه و یا مرحله ای ، عرضه یک کالای جدید و یا خدمتی متفاوت است . در واقع کارآفرینی تعقیب فرصت هاست. درحالیکه

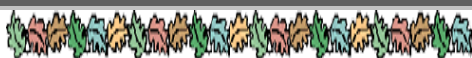
اشتغال زایی = به ندرت بانوآوری همراه است که معمولاً از روش چهارم اشتغال زایی یعنی از طریق ایده ها : شامل نوآوری ، اختراع و سرمایه گذاری که از سخت ترین روش های اشتغال زایی است استفاده می شود.

انواع کارآفرینی

الف) کارآفرینی فردی

کارآفرینی مستقل : فرآیندی است که کارآفرین از ایده اولیه تا راهی محصول خود به جامعه ، کلیه ی فعالیت کارآفرینانه را با ایجاد یک بنگاه اقتصادی جدید ، به طور مستقل طی می کند.

کارآفرینی سازمانی : فرآیندی است که کارآفرین تحت حمایت یک سازمان ، فعالیت های کارآفرینانه خود را به ثمر می رساند.



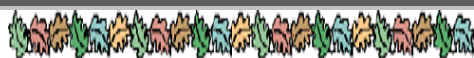
ب) کار آفرینی گروهی

کار آفرینی شرکتی : فرآیندی است که یک شرکت طی می کند تا همه افراد آن به کار آفرینی تشویق شده و تمام فعالیت های کار آفرینانه فردی و گروهی ، به طور مستمر ، سریع و راحت در شرکت انجام

کار آفرینی اجتماعی : کار آفرینی اجتماعی یک زمینه نوظهوری است که شامل سازمان های غیرانتفاعی است ، این سازمان ها افرادی را در شروع کسب و کارهای انتفاعی یاری می دهند ، سازمان های غیرانتفاعی که برای ایجاد نقدینگی برای برنامه هایشان ، ارزش اقتصادی ایجاد می کنند از منابع در دسترس به گونه ای خلاقانه برای موضوعات اجتماعی استفاده می کنند.

۱۰ امور و ویژگی کار آفرینانه که نامپسون اشاره نموده عبارتند از :

- ۱) کار آفرینان افرادی هستند که تفاوت ایجاد می کنند، یعنی به طور خلاقانه فرصت هایی را برای کسب و کار ایجاد می نمایند.
- ۲) کار آفرینی ، تشخیص و استفاده مطلوب از فرصت هاست.
- ۳) کار آفرینان باهدف دستیابی به منافع مورد نیاز برای استفاده از فرصت ها ، به شدت تلاش می کنند.
- ۴) کار آفرینان از طریق ارایه محصولات ، خدمات یا شیوه های جدید ، ارزش ایجاد می کنند.
- ۵) کار آفرینان ، ایجاد کننده شبکه های مطلوب منابع ، امکانات مالی ، ابتکارات ، شبکه های اجتماعی و مذاکرات مختلف هستند.
- ۶) کار آفرینان ، از چگونگی و چرایی فرصت ها و جایگاه خود شناخت دقیق دارند .



۷) کارآفرینان خود ، سرمایه ایجاد می کنند ، این سرمایه به شکل های مختلفی نظیر سرمایه مالی ، اجتماعی و هنری می باشد.

۸) کارآفرینان خطر پذیرند و توانایی اداره ریسک های مختلف را دارند.

۹) کارآفرینان درمقابل سختی ها و مشکلات ، خویشتن دار و مقاوم هستند.

۱۰) کارآفرینی مستلزم خلاقیت و نوآوری است و این دو عنصر از عناصر اصلی محسوب می شود.

"هورنادی" و "آبود" معتقدند :

— کارآفرینان موفق ، به خود ایمان دارند و موفقیت ها و شکست ها را به سرنوشت ، اقبال و یانبروهای مشابه نسبت نمی دهند. به عقیده آنها شکست ها و پیشرفت ها تحت کنترل و نفوذ آنها می باشد و خود را در نتایج عملکردشان موثر می دانند.

— پس به طور کلی می توان ویژگی هارا چنین برشمرد :

— **مرکز کنترل درونی :** کارآفرین مسئولیت اعمال و تصمیم های خود را چه در شکست و چه در موفقیت می پذیرد.

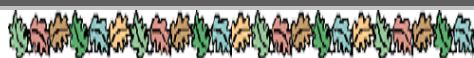
— **انجام کار بیش از نیاز :** خصوصیات ادامه کار بیش از دیگران و انجام کار بیش از حد نیاز ، شاخصه ای متداول در تمام کارآفرینان موفق و شرکت های آنان است .

— **اعتماد به نفس :** عزم و پایداری بیش از هر عامل دیگری ، و ایمان به موفقیت می تواند به کارآفرین کمک کند که بر مشکلات غلبه کند.

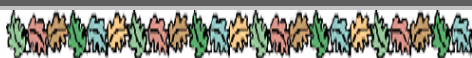
— **جهت گیری در راستای فرصت ها :** انتخاب یک الگوی واضح در میان کارآفرینان موفق و خوش فکر ، تمرکز آنها بر فرصت ها است تا بتوانند از منابع بهترین استفاده را ببرند.

— **اصرار بر حل مشکلات :** کارآفرینان در شرایط دشوار و انمی مانند زیرا ضمن داشتن اعتماد به نفس ، خوش بین هم هستند.

— **استقلال طلبی :** میل به استقلال ، نیروی پیش برنده کارآفرینان معاصر است .



- **نیاز به توفیق :** کارآفرینان ، باانگیزه ومهارت خود به رقابت های مثبت وسالم دست می زنند.
- **مخاطره پذیری :** (لایلز و بروک هاوس) معتقد بودند که کارآفرینان موفق ، کمتر ازمدیران ازمخاطره پرهیز می کنند.
- مثال : (مدیران خانه ای می سازند وسعی درنگهداری آن خانه رادارند ولی کارآفرینان همواره درپی ساختن خانه ای جدید هستند به همین جهت فرصت گرا ، انعطاف پذیر واهل ریسک هستند.)
- **تحمل ابهام :** تحمل شرایط سخت ومورد ابهام ازاینکه نمی داند موفق می شود یا شکست می خورد.
- **خلاقیت ونوآوری :** مشخصه اصلی کارآفرینی ، نوآوری است ، کارآفرین باارایه ی محصولات ویادخدمات جدید می تواند جامعه رابه سمت پیشرفت وتوسعه سوق دهد.
- **دستاوردگرایی وهدف گرایی :** آنها دارای خصوصیتی هستند که کاررابه خاطر حسن انجام کارورسیدن به دستاورد خود انجام می دهند . کارآفرین برای ارضای شخصی وثبات کفایت خود ، کاررابه خوبی انجام می دهد. آنها هدف گرا وبلند پرواز هستند وازمشاهده تاثیر کارهای خود دراجتماع لذت می برند.
- **تعریف خلاقیت**
- **گیل فورد (گیلفورد) درنظریه اش دو عامل ((تفکرواگرا)) و((تفکرهمگرا)) راازیکدیگر جدا می کند وکلیه خلاقیت رادر ((تفکرواگرا)) می داند.**
- **((تفکرواگرا)) :** تفکری است که به جهات مختلف سیر می کندو برای حل مسئله به خلق راه حل های بسیار متنوع ، متفاوت ونوین می پردازد. برعکس
- **((تفکرهمگرا)) :** فرد می کوشد تابادغام اطلاعات به روش منطقی فقط به پاسخ صحیح برسد.



– "گی تینگ" مفهوم خلاقیت را توسعه بیشتری می بخشد و برای ایجاد رفتاری خلاق ، رشد و تحول چهار دسته از مهارت را ضروری می داند.

– آن چهار دسته مهارت عبارتند از :

– ① **توانایی تفکر واگرا در فرد :** یعنی با خلق راه حل هایی بسیار متفاوت دامنه وسیعی از ابعاد و زوایای مختلف مسائل را در نظر می گیرد.

– ② **داشتن معلومات وسیع و تجربه مفید در زمینه خلاقیت :**

– ③ **توانایی برقراری ارتباط با دیگران به منظور تبادل تجربیات و معلومات**

– ④ **توانمندی فرد برای تجزیه و تحلیل انتقادی ،** زیرا فرد در جریان شکل گیری خلاقیت و به دلیل ذهن انگیزی به راه حل های متعددی می رسد که برای انتخاب راه حل صحیح و کنار گذاشتن راه حل های دیگر داشتن قدرت قضاوت و نقادی دقیق ضروری است.

آمابلی = (رئیس مرکز پژوهش های دانشکده بازرگانی دانشگاه هاروارد) ۳ عنصر

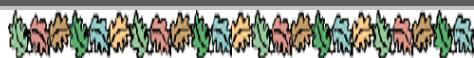
مهارت های مربوط به قلمرو (یا مهارت های مربوط به موضوع) و مهارت های مربوط به خلاقیت و مهارت های مربوط به انگیزه را از اجزای اصلی خلاقیت می داند.

۱- مهارت های مربوط به موضوع یا قلمرو = مثل دانش و شناخت مانسبت به حقایق ،

اصول ، نظریات آن موضوع است که از طریق استعداد ، تجربه و آموزش در آن حوزه به دست می آید.

۲- مهارت های مربوط به خلاقیت = اگر فردی مهارت های خلاقیت را بدست آورد

می تواند از مهارت موضوعی در راه جدیدی استفاده نماید و به خلق شیوه های جدید دست یابد.



۳- انگیزه = از مهمترین اجزاء خلاقیت ، انگیزه است.

الگوی آمابلی ← شامل چهار مرحله اساسی است :

عرضه مسئله ، آمادگی ، ایجاد پاسخ و اثبات پاسخ است .

اهمیت این الگودر روابط این مراحل باعناصر مختلف خلاقیت (یعنی انگیزه ، مهارت های مربوط به موضوع ومهارت های خلاقیت) است .

تکنیک های حل مشکلات :

۱- تکنیک P.M.I (پی.ام.آی) - این تکنیک تمرین خوبی است برای مثبت اندیشی ودگراندیشی افراد است.

۲- تکنیک شکوفه ی نیلوفر آبی - پاسوآماتسومورا : ازایده یک شکوفه نیلوفر آبی الهام گرفت واصول دیگری مثل گلبرگ ها وخوشه و..... رابه آن افزود.

۳- تکنیک " چه می شود اگر..... ؟ " - این تکنیک که برای خلاقیت باید قالب های ذهنی گذشته دور ریخته شود وفرضیه های جدید مطرح شود.

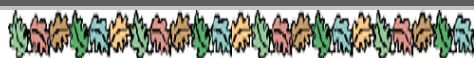
۴- تکنیک اسکمپر Scamper - کاربرد اصلی این تکنیک برپایه ایده یابی فردی طراحی شده است .

۵- تکنیک درهم شکستن مفروضات - یکی ازوموانع مهم خلاقیت ، مفروضات قبلی است که باید شکسته شود.

۶- تکنیک تجزیه وتحلیل مورفولوژیک - این تکنیک ، فنی است که براساس آن پدیده مورد نظر از لحاظ ساختار کلی وابعاد مختلف آن مورد ارزیابی وتجزیه وتحلیل قرارمی گیرد.

۷- تکنیک دلفی - دراین تکنیک رئیس گروه سولاتی رامطرح می کند وافراد گروه به سولات پاسخ می دهند مانند استفاده از فن دلفی دریک تیم .

۸- تکنیک استخوان ماهی - این تکنیک یک از روش های سودمند برای شناسایی مسائل است ، دلیل نام گذاری آن منحصر بفرد بودن جمع آوری اطلاعات است که شبیه به اسکلت ماهی است .



۹- تکنیک گروه اسمی - که درمواقعی که باموضوعی بحث انگیز ، حساس ، و دارای موافق و مخالف یا بسیار برجسته استفاده می شود. که هفت گام دارد .

۱۰- تکنیک سینک تیکس - این روش برای برانگیختن تفکر خلاق درمیان گروهی ازافراد است که گردهم می آیند.

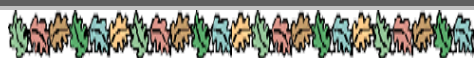
تعریف نوآوری :

- صاحب نظران در تعریف نوآوری ، نظرات مختلفی را عرضه نموده اند که اهم آنها عبارتند از :
- نوآوری یا ابداع ، کاربردی و عملی کردن افکار و اندیشه های نوو بدیع است که ناشی از خلاقیت می باشد.
 - نوآوری ، تبدیل خلاقیت (ایده نو) به عمل و یا نتیجه (سود) است .
 - نوآوری ، فرآیند اخذ ایده خلاق و تبدیل آن به محصول ، خدمات و روش های جدید عملیات است.
 - نوآوری فرآیند اجرای خلاقیت یا به عبارتی تحقق بخشیدن و عملیاتی کردن ایده های نوو به طور کلی تبدیل خلاقیت به نتیجه عینی است.

انواع نوآوری :

شوم پیتز نوآوری راچنین دسته بندی کرد .:

- نوآوری در منابع و مواد خام اولیه
- نوآوری در محصول
- نوآوری در روش ها و فرآیند تولید
- نوآوری در تشکیلات و سازمان اداری و اجرایی
- نوآوری در بازار (مثل ورود به بازارهای جدید)
- نوآوری بنیادی که موجب تغییر و تحول اساسی و بنیادی در سازمان می شود.



– نوآوری مبتنی بر ساختار فناوری که منجر به وارد کردن مواد یا تجهیزاتی از دیگر حوزه های صنعت برای تولید محصول جدید می شود. (که با ترکیب چند تکنولوژی ، محصول متفاوت و جدیدی ارائه می شود.)

آلت شولر نوآوری رابه پنج سطح تقسیم کرد:

سطح یک (سطح استاندارد = دراین سطح یک ویژگی خاص سیستم ، اصلاح و تقویت می شود.

سطح دو (سطح بهبود = که موجب بهبودهای کوچک در سیستم ، هم زمان با کاهش تناقض ذاتی در سیستم می شود یعنی ویژگی جدیدی به دست می آورد.

سطح سه (اختراع در حوزه فناوری موجود = سیستم موجود رابه نحو چشمگیری بهبود می بخشد.

سطح چهار (اختراع خارج از حوزه فناوری موجود = این نوع نوآوری ها از حوزه علم کشف می شوند و به کلی خارج از الگوهای معمول در فناوری ارتقاء می یابند.

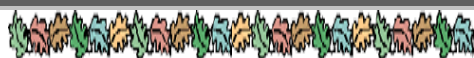
سطح پنج (اکتشاف = این سطح به خارج از محدوده ی دانش زمان خود تعلق دارد.

تعریف طرح کسب و کار :

طرح کسب و کار سند مکتوبی است که تمام جزئیات کسب و کار پیشنهادی را تعریف و مشخص می کند. این سند به تشریح موقعیت کنونی ، نیازها ، انتظارت و نتایج پیش بینی شده ، ضمن ارزیابی کلیه جوانب می پردازد.

طرح کسب و کار هم برای کارآفرین و هم برای حمایت کنندگان آن به شرح ذیل لازم می باشد:

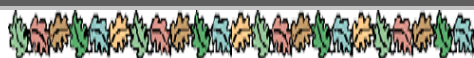
① کارآفرین یا صاحب و یا مالک ، باید هدف خود را از کسب و کار و منابعی که استفاده خواهد نمود. و برآورد میزان سرمایه مورد نیاز خود را شرح دهد.



- 2) حمایت کنندگان مالی مثل بانک ها یا سرمایه گذاران باید متقاعد شوند که طرح ایجاد کسب و کار جدید منطقی و درست است.
- 3) در صورتی که ایده کسب و کار خوب و منطقی باشد . کارآفرین و حمایت کنندگان باید بدون فوت وقت نسبت به برنامه ریزی اقدام نمایند و همه موارد مورد نیاز را شناسایی نمایند.

انواع کسب و کار

- 1) کسب و کار خانگی = کم هزینه است ، سرمایه اندکی می خواهد . همراهی و همکاری اکثر اعضاء خانواده راه به همراه دارد. علاوه بر رشد مالی اقتصادی خانواده به تقویت بنیان خانواده هم کمک می کند ، ریسک پائینی دارد.
- 2) کسب و کار الکترونیکی = در فضای فناوری اطلاعات شکل می گیرد. با استفاده از دانش فناوری روز پایه ریزی می شود. سرمایه کم ولی دانش بالا و به روز ، علم رایانه ای و فناوری اطلاعات را احتیاج دارد / رشد بسیار بالایی دارد و می تواند صدها و حتی هزاران برابر سود دربر داشته باشد. چون هزینه بسیار کمی می برد.
- 3) کسب و کار روستایی = که در منطقه جغرافیایی روستا و با بهره گیری از سرمایه اجتماعی ، موجود در درون آن جوامع شکل می گیرد. در واقع نوعی کسب و کار مشارکتی است که تقریباً همکاری همه روستائیان را می طلبد. این نوع کسب و کار برای توسعه روستا و پشتیبانی دولت ها انجام می شود.
- 4) کسب و کار خدماتی = برای ارائه خدمات به مشتریان است که معمولاً توزیع کنندگان خدمات و نیروی انسانی برای خدمات مورد نیاز است / رشد بسیار زیادی نسبت به کسب و کارهای تولیدی دارد و دارای ریسک پائین و همچنین سبب رونق کسب و کارهای تولیدی می شود.



انواع شرکت ها و آشنایی بامراحل ثبت وتاسیس آن ها :

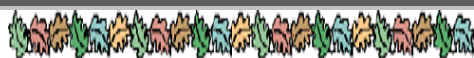
انواع شرکت ها و آشنایی بامراحل ثبت وتاسیس آنها :

۱- شرکت بامسئولیت محدود : بین دویاچند نفر برای امور تجاری تشکیل می شود. این گونه شرکت ها : که ازقانون تجاری است سرمایه به سهم الشراکه تقسیم می شود نه به سهام یعنی هریک از شرکاء درمقابل دیون وقورض شرکت درحد سهم الشرکه ای خود سرمایه گذاری می کند. سهم الشرکه آزادانه قابل نقل وانتقال نمی باشد. حداقل

سرمایه برای ثبت شرکت یک میلیون ریال است مدیریت برای مدت نامحدود است وهرزمانی که دراساسنامه آمده - مجمع عمومی بیشتر از ۱۲ نفر می باشد. دراساتسنامه نحوه تقسیم سود می آید. حق رای نسبت به سرمایه خواهد بود.

۲- شرکت سهامی خاص : شرکت بازرگانی است که تمام سرمایه آن به طور اعضاء توسط موسسین تامین می شود. وسرمایه به سهام تقسیم می شود. * تعداد سهام داران نباید از ۳ نفر کمتر باشند که عنوان شرکت سهامی خاص باید بانام شرکت به طور روشن درج شود. * حداقل سرمایه برای ثبت شرکت سهامی خاص یک میلیون ریال است. * حداقل ۳۵٪ سرمایه باید به صورت نقدی دریکی از شعبه بانک ها تودیع وگواهی مربوط به ارایه و ۶۵٪ سرمایه درتعهد سهام داران می باشد. * مدت مدیریت دراین شرکت ها توسط هیات رئیسه ای متشکل از یک نفر رئیس ودونفر ناظر ویک نفر منشی که ازبین سهامداران انتخاب می شوند. * تقسیم سود به نسبت سرمایه شرکاء تقسیم می شود، حق رای درشرکت سهامی خاص نسبت به سرمایه خواهد بود.

۳- شرکت سهامی عام : برای انجام پروژه های بزرگ عمرانی ، صنعتی وکشاورزی وجود آن لازم وضروری است . دراین شرکت ها سرمایه های اندک درقالب سهام به عموم مردم واگذار می شود که درکلیه اوراق باید شرکت سهامی عام عنوان شود. سرمایه درموقع تاسیس نباید ازپنج میلیون ریال کمتر باشد...:



- ① پذیره نویسی عمومی برای تامین سرمایه استفاده می شود، درحالیکه درسهایی خاص ممنوع است .
- ② امکان صدور اوراق قرضه برای شرکت وجود دارد. درحالیکه درسهایی خاص ممنوع است.
- ③ سهام قابل عرضه در بازار بورس است . درحالیکه درسهایی خاص در بازار بورس عرضه نمی شود.
- ④ مدیران و سهامداران شرکت حداقل ۵ نفر هستند درحالیکه درسهایی خاص ۳ نفر می باشند.

۴- موسسات غیرتجاری : نهادهای حقوقی خاصی که دارای شخصیت حقوقی باشند وجهت اموری که جنبه غیرتجارتی دارد از قبیل کارهای علمی ، ادبی یا مورخیریه یا خدماتی است.

۵- شرکت های تعاونی : در نظام اقتصادی ایران در قانون اساسی ذکر شده که اهداف کلی آن : ایجاد و تامین شرایط و امکانات کاربری همه برای رسیدن به اشتغال . *

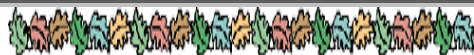
قراردادن وسایل کار در اختیار کسانی که قادر به کارند ولی وسایل کار ندارند . *

پیشگیری از تمرکز تداول ثروت در دست افراد و گروه های خاص برای رسیدن به عدالت اجتماعی . *

جلوگیری از کارفرمای مطلق شدن دولت . پیشگیری از انحصار ، احتکار ، تورم و ضرر رساندن به غیر . *

توسعه و تحکیم مشارکت و تعاون عمومی بین همه مردم.

۶- شرکت های تضامنی : در امور تجاری مورد استقبال واقع می شود. نقش شخصیت شرکاء بسیار مهم است ، قانون تجارت شرکت تضامنی را شرکتی می داند که تحت اسم مخصوص برای امور تجاری بین حداقل دو نفر شریک بامسئولیت تضامنی تشکیل می شود. در این شرکت اگر دارایی شرکت برای پرداخت قرض ها کافی نباشد هریک از شرکاء به تنهایی مسئول پرداخت تمام قروض شرکت است. وقتی این شرکت تشکیل شده محسوب می شود که تمام سرمایه نقدی پرداخت و سهم الشرکه



غیرنقدی باتوافق کلیه شرکاء ارزیابی و تسلیم شده باشد. شرکت بامدیری که ازبین شرکاء ویاخارج از شرکاء همچون وکیل درمقابل موکل است (قانون تجارت)